

میر عنایت الله آشفته 9 جنوری 2013

کنفرانس پاریس از بُعد سیاسی- اقتصادی کثیرالجوانب است :

کنفرانس بازی های مبهم صلح ، توسط میزبانان کشور های متعدد، مقامات رسمی و انتفاعی، نهادها، و مؤسسات متفاوت، از آدرس های قبرس، مالدیف، پاکستان، جاپان، هند، ترکیه ، عربستان سعودی ، آلمان، انگلستان، قطر اخیراً فرانسه و احتمالاً کنفرانس بعدی خلاف میل دولت کابل، در عشق آباد، بمنظور حل قضیه سیاسی (تقسیم قدرت بین زور مندان) به اصطلاح مبارزه علیه تروریسم ، ایجاد صلح و ثبات در کشور ما دایر خواهد گردید. خواستم مورد بحث قرار دهم. اوضاع نا بسامان موجود کشور، حاصل کار 33 سال اخیر نیروهای فعال و مدعیان انقلابی؟! وطن اعم از نیروهای چپ و راست از 7 ثور 1357 تا امروز که مدعی نمایندگی از هموطنان مظلوم، کم سواد، بی سواد، مسلمان، سک، هندو، و کلیمی ما را می نمایند، با تأسف معترف به کوچکترین اشتباه خویش نبوده ، یک دیگر را مسؤول، وابسته، دست نشانده، دشمن، فروخته شده و ... خطاب نموده، خود ها، تشکیلات متعلق بخود ها و حتی قوم متعلق بخود ها را وکالتاً صادق و وطن دوست تلقی نموده و متباقی اجزای لایتجزای کشور را با درد و دریغ، فروخته شده و بیگانه معرفی میدارند.

خوشبختانه امروز عدّه از مردم ما پس از 33 سال فاجعه بدون وقفه، به این بلاغت و شعور بالای سیاسی رسیده اند که می دانند " در دنیای سیاست دوست دایمی و دشمن دایمی وجود ندارد، آنچه دایمی می باشد منافع دایمی است " ، در مسایل کلان همانا منافع ملی مطرح است . (نیروهای سیاسی جامعه زمانی حمایت ملی کسب نموده میتواند که منافع علیای کشور را، فارغ از قوم، زبان، سمت ، دین و مذهب پاسداری نمایند).

آنچه در فوق تذکر داده شد، متأسفانه، نیروهای درگیر فاقد آن بوده، اختلافات خطا ها و گناهان نا بخشودنی و بیگانه پرستی احزاب پشاور، مشهدی، تحریک طالبان ورژیم فاسد موجود، تکراری بوده که نیروهای افراطی چپ سوسیست خلق و پرچم مرتکب آن، گردیده بودند. زمان سقوط نظام وابسته به شوروی، عدم توافق به نمایندگی ملت مجاهد و مسلمان افغان، توسط به اصطلاح زعمای تنظیم ها، اشتراک و به نیابت افغان ها، به وسیله پاکستان و ایران در میز مذاکره صلح حضور یافتند، این خود به معنی فاقد شایستگی لازم رهبران و دست نشانده بودن شانرا بیان مینمود!)
رهایی بقیمت نهایت سنگین جانی و مالی، ملت افغان ، از چنگال یک رژیم دست نشانده به رژیم دست نشانده دیگر) . آنچه مقاومت مسلح امروز، دولت فاسد کنونی را دست نشانده و فاقد صلاحیت لازم می شمارد که یک واقعبیت تلخ است، متوجه شرایط، ناگزیری ها و امکانات خود نیز باید باشند.

هر که ناموخت از گذشت روزگار + هیچ نا آموزدز هیچ

آموزگار

حضور طالبان با حزب حکمتیار در پاریس ، در کنار دولتی ها و رقبایی که خویشان را اپوزیسیون قلمداد می نمایند، بر علاوه اهمیت نمادینش میتواند به نحوی " شکست بن بست " ، به نفع صلح تلقی گردد. مشروط بر صداقت طرفین و ادامه آن تا سرحد تعویض قدرت بشکل صلح آمیز، از طریق مراجعه به آرای ملت (انتخابات) .
به گمان این حقیر، مردم اسیر و به ستوه آمده، بنابر شناخت و سوابق شان هیچ طرفی را مستقل و به صفت نماینده ای خود تعیین و قبول

نموده اند. زیرا توسط همه (زورمندان دولتی غیر دولتی، مخالفین مسلح دولتی و قوای خارجی) شدیداً متضرر گردیده اند.

دلیلی که در شکل گیری تضادهای تنظیمی، جنگ های داخلی، ظهور تحریک طالبان و رقابت کشورهای دور و نزدیک در مداخله و به اصطلاح حل سیاسی قضیه افغانستان، نقش جدی و تأثیرگذار داشتند و دارند، همانا بحث نفت و بازی بزرگ نو در آسیای میانه، منابع، ذخایر و معادن سرشار ما و موقعیت جیوپولیتیک افغانستان می باشد. بخصوص اهمیت این منابع زمانی نقش کلیدی و برجسته بخود می گیرد که نظریه پردازان قدرت های مطرح جهان، در خدمت کمپنی های بزرگ و شبکه های جهانی چون انرژي، اسلحه، مواد مخدر و ... قرار دارند، تشخیص می نمایند که ادامه جنگ به نام تروریزم به چه شیوه و شعار صلح و تأمین منافع اقتصادی چند ملیتی و چند جانبه توسط " شاه لوله های نفت و گاز، عامل پیام صلح در افغانستان و منطقه ارزیابی شود " در حال حاضر کشورهای کویت، امارات متحده عربی و ترکیه برای داوطلبی نهایی استخراج نفت و گاز این پروژه انتخاب شده اند.

شاه لوله ها از مسیر ترکمنستان، افغانستان، پاکستان، هند، چین و ترکیه، عبور داده می شود. پس از یازده سال حضور قوای امریکانانو، صرف نظر از ندانم کاری غربی ها، و متضرر ساختن جدی بافت مردم افغانستان در قدرت و تحمیل جنگ طولانی و ظالمانه در مناطق پشتون نشین و سرحدی، با داشتن آگاهی کامل از حضور نیروهای قدرت مند و فعال اعراب، شامل سعودی، مصری، عراقی، یمنی، مسلمانان سیاه پوست امریکایی، تانزانیا، سودان، کنیا، مالیزیا، فلپین، بنگله دیش، چیچین، ازبکستان، تاجیکستان، ایران پاکستان و ... زیر نظارت و حمایت مستقیم آی اس آی، همه را نادیده انگاشته و تمام خرابکاری و آدم گشی ها را به یک قوم گره کردن، عملیست دور از انصاف و خلاف تمام موازینی که جهان غرب آنرا اذعان میدارد. جالبتر از همه این گشتار در حالی صورت میگیرد که رهبری دولت و مقاومت مسلح هر دو مدعی عدالت و ملی بودن را دارند.

به صراحت باید گفت: کشاندن نیروهای طالبان و جناح حکمتیار در کنفرانس ها و ایجاد دفتر در قطر یک ضرورت نظامی، سیاسی و اقتصادی است. ولی بلند پروازی ها و انتقام گیری های سیاست مردان عقده مند دولت بی کفایت و فاسد از یک سو، حمایت از نیروی مقاومت مسلح از سوی دیگر و تبانی بی باکانه قوای ائتلاف در هر دو جهت، عامل بن بست موجود، دانسته شده که زمینه مداخله سیاسی - نظامی امریکا را جهت حفظ و تأمین بیشتر منافع های شان، و ادار به یک سلسله سازش های جدید با قدرت های تأثیر گذار منطقه و افغان بزند. زیرا ادامه وضع موجود نه در افغانستان ممکن است و نه در توان امریکا و متحدین ناتو و اروپایی اش دیده شده میتواند.

بازیگر چندپهلوی، غرق در افراطیت، پاکستان تلاش دارد جهان را متقاعد گرداند که اگر صلحی در افغانستان بوجود آید، صرف از طریق پاکستان امکان پذیر است و بس! اگر قرار باشد برای لوله های نفت سرمایه گذاری صورت گیرد و یا تصفیه خانه هایی ساخته شود، باز هم پاکستان دست بالا در همه امور به خصوص پس از 2014 داشته باشد. از همین رو چراغ سبز به نیروهای ائتلاف شمال داده میشود و رابطه دوستی؟! با عبدالله عبدالله باز مینمایند، یا از مجرای " شورای نام نهاد صلح صلاح الدین ربانی" تلاش می نمایند، یا از دوستی و کنار آمدن بیش از حد دولت فاسد و ناکام افغانستان سو استفاده می برند، یا در مورد صلح با طالبان از سیاست قند و قمچین (صرف از مجرای آی اس آی) آزاد سازی اسیران طالب به خواست و نیاز منافع خود! کارشکنی و عدم صداقت نشان میدهد و یا به ایجاد دفتر قطر ماهرانه مخالفت مینماید، عمق ستراتیژی آی اس آی ایجاد اختلاف و نفاق بیشتر و بی باوری بین نیرو های افغان است و بس. خویشتن را به هر یک " دایه مهربان تر از مادر " وانمود می سازد.

آدرس های تدویرکنندگان کنفرانس های صلح افغانستان، ترکیه، قطر، ترکمنستان نیز به وضاحت نشان دهنده علاقه مندی همین کشورها با کمپنی های نفتی چینائی، امریکائی، می باشد. ادامه

کنفرانس پاریس توسط نماینده خاص ملل متحد، در عشق آباد، به شدت از جانب دولت کابل رد گردید، زیرا نقشی دال بر دولت بودنش در این پروسه مطرح نمیباشد.

عده ای از هموطنان ما میدانند و در حافظه دارند که این تفاهات و توافقات حاصل شده فوق، ادامه نتایج رقابت های ناسالم شرکت های بزرگ نفتی امریکایی، ارجنتایی (یونیکال و بریداس) و دلتای عربی می باشد. که بخاطر محور نیرو های شرو فساد، و جلب و جذب و حمایت نیروی طالبان در گرفتن امتیاز تمديد و اعمار لوله های گاز از ترکمنستان به پاکستان از راه افغانستان، در سال های حاکمیت طالبان باهم در ستیز بودند.

تحمل و تقبل شکیبایی ملت افغانستان در برابر دسایس، توطئه ها، مداخلات، ایجاد موانع، تخریب و سبوتاژ این پروژه ها از جانب ایران و روسیه با تبنای تنظیم ها، در آن زمان، قابل دقت و توجه بوده، و امروز نیزیکی از عوامل عدم تطبیق پروژه های کلان چون بند برق سلما، کجکی و... صرف نظر از بی کفایتی رژیم، توسط ایران و پاکستان و عمال وطنی شان به ثمر نمی رسد.

نفت ساحه آمو دریا که توسط شرکت ملی نفت چین (سی-ان-پی-سی) استخراج می شود، در حال حاضر برای تصفیه به ترکمنستان فرستاده می شود، از جانب دولت افغانستان در ماه دسامبر ۲۰۱۲ این قرار داد برای ۲۵ سال با شرکت ملی نفت چین امضا گردید. شرکت افغان- امریکایی اعلام کرده است که ۷۰۰ میلیون دالر را در بخش تصفیه خانه نفت سرمایه گذاری می کنند. به قرار گذارش ظرفیت این تصفیه خانه ۶۰ هزار بیرل نفت روزانه خواهد بود، که با آغاز کار تصفیه خانه حدود ۵۰ درصد نیازمندی نفتی کشور مرفوع خواهد شد. شرکت (اف-ام-کو) که سهام داران آن سرمایه داران افغان و امریکایی اند. تا اواخر همین سال کار این پروژه را شروع خواهند نمود. پیش بینی می شود که در این کارخانه بیش از ۱۰۰۰ نفر استخدام شود و برای حدود ۲۰ هزار نفر دیگر نیز بصورت غیر مستقیم شغل ایجاد خواهد شد.

پروژه نفتی آمو دریا یکی از شش پروژه بزرگ نفتی در افغانستان است که بخش های از ولایات فاریاب، سرپل، جوزجان و افزون بر این، پنج محل بزرگ، نفت و گاز دیگر در قسمت هلمند، کتواز، هرات و کشک وجود دارد، پروژه نفتی افغان-تاجیک، که نفت آن حدود یک میلیارد بیرل برآورد شده است، نیز به زودی نهایی خواهد شد. بر اساس چندین ارزیابی انجام شده، منابع طبیعی افغانستان تا ۳ هزار میلیارد دالر بر آورد شده است.

هموطنان آگاه وطن دوست: جای بس تاسف و خجالت خواهد بود که با آفتابی شدن نیات شوم همه خارجی ها اعم از کفر و مسلمان بیش از این در افتراق ما، متجاوزین و همسایه های مغرض و طامع، ملت با هم برادر ما را استعمال نمایند و دارایی های ما را به غارت برند. با توجه به اینکه هیچ یک از نیرو های سیاسی کشور کارنامه بدون عیب و نقص ندارند، و اعمال غیرمسئولانه سیاسی و وابستگی های روشن و آفتابی دارند، و از جانبی کلماتی چون آزادی، استقلال و... دیگران تعریف قرن ۱۹ را ندارد. و شما بهتر از دیگران وابستگی های پاکستان، ایران و همسایه های شمالی ما را مع الوصف ادعای آنچنانی شان می دانید.

بنابا دوری از تعصب، افراط گرایی، بلند پروازی و خود محوری با درک و تعریف واحد از منافع ملی، جلوگیری از تجزیه کشور، وارثان این سرزمین میتوانند با تعقل و وحدت نظر و عمل انشاءالله درکنار هم صاحب صلح و آرامش عادلانه و با ثبات شویم.

به امید اینکه از تجارب تلخ گذشته آموخته شود، و منحنی چرخ و نقشه راه برای آیندگان، مسؤلانه عمل گردد. قبل از همه، پیشنهادهای یک آتش بس قابل اعتماد را بین طرفین درگیر به موقع می دانم، تا مردم بی گناه از حملات وحشیانه قوای خارجی، دولتی و حملات انتحاری و انفجاری نیروهای مقاومت مسلح در امان بمانند. همچنان به میزبانان صلح باید خاطر نشان ساخت؛ توافق نیروهای رقیب، با اشتراک اشخاص ثالث بالخیر افغان، که سوابق پاک و افتخارآمیز سیاسی غیر جانب دارانه داشته باشند، حتمی شمرده، میز مذاکره رایگانه و بهترین گزینه میدانیم. در غیاب ملت و درهای بسته

سازش ، تکرار اشتباه کنفرانس بُن خواهد بود، زیرا جایگاه اکثریت قاطع مردم غیر مسلح خالی باقی می ماند .

تغییر در قانون اساسی کشور صرف خواست طالبان، نبوده بلکه، همه نیروهای مدعی قدرت، در داخل و خارج نظام به شمول افراد وارد و آگاه و متخصص نکاتی در تعدیل بخش های قانون اساسی دارند. و اما اصل عمده تطبیق یکسان قانون است که باتأسف یکی از عوامل بدبختی موجود کشور عدم تطبیق قانون میباشد.

این قلم از دانشمندان، خبرگان و اهل سیاست، صمیمانه تقاضا به عمل می آورد، تا اشتباهات، نواقص، کمبود ها و خلاها را به دیده اغماض نگریسته و به عدم آگاهی ام بشمارید، تاخدای نا خواسته از حُب و بُغض کوردلانه که نیازی به آن ندارم در امان باشم. "کسی که شهادت نشان می دهد، شهادت می سازد". به این معنا که نشان دادن شهادت باعث ایجاد شجاعت در دیگران می شود. آرزو دارم شخصیت های فهیم و دانشمند اهل سیاست تا قبل از سال 2014 برای تصمیم عاقلانه و دور اندیشانه، نیروهای زورمند کار شجاعانه و خیر اندیشانه خویشرا تشدید نموده تارضای حق تعالی حاصل گردد.

والله اعلم بالصواب

پایان